

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره مبارکه تکاثر

استاد ضرابی - ۱۳۹۹

جلسه ششم ۹۹/۹/۲۲

آیه شریفه: «ثُمَّ لَنُرَوِّنَهَا عَيْنَ الْيَقِينِ (۷)» - سپس آن را قطعا به عین‌الیقین درمی‌یابید
«(۷)»

عنوان : پیام عام و همه‌شمول

کلمه «ثُمَّ» دلالت بر ترتیب دارد و به معنای «سپس» به کار رفته است. باید دید ترتیبی که در آیات بیان شده چیست؟ و مقصود از آن، تفهیم چه پیام مهمی است؟ تربیت بیان شده مراحل است که انسان باید آن را برای وصول به یقین طی کند (علم‌الیقین، عین‌الیقین و حق‌الیقین) و پیام مهم این است که انسان بدون تحصیل یقین در معرض خطر عذاب ابدی است. امام صادق علیه السلام فرمود: «كُلُّ قَلْبٍ فِيهِ شِرْكٌ أَوْ شَكٌّ فَهُوَ سَاقِطٌ وَإِنَّمَا أَرَادُوا الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا لِيَتَفَرَّغَ قُلُوبُهُمْ لِآخِرِهِ - هر قلبی که در آن شرک یا شکی باشد ساقط است و ارزشی ندارد. به همین دلیل است که انبیای الهی مردم را به زهد در دنیا دعوت کردند تا دل‌های آنان برای درک آخرت، خالی و فارغ باشد.» (الكافي، ج ۲، ص ۱۶).

در روایت آمده است که چون این آیه بر رسول (ص) نازل شد، فرمود: "مَا أَوْحِيَ إِلَيَّ أَنْ أَجْمَعَ الْمَالَ وَ كُنْ مِنَ التَّاجِرِينَ وَ لَكِنْ أَوْحِيَ إِلَيَّ أَنْ سَبَّحَ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ كُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ وَ اعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ - به من وحی نرسید که مال جمع کن و از بازرگانان باش، بلکه به من وحی شد که به ستایش پروردگار خود

تسبیح گوی، و از سجده‌کنندگان باش، تا به یقین برسی. «(بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۴۷)

تو را تا دهن باشد از حرص باز
نیاید بگوش دل از غیب راز
این دهان بستی دهانی باز شد
کاو خورنده لقمه های راز شد

عنوان : یقین اهل سعادت

برای اهل سعادت، تحصیل علم الیقین توسط براهین متین عقلی بدست می‌آید، همانطور که از وجود دود پی به وجود آتش برده می‌شود، براهینی که در قرآن کریم در آیات آفاقی و انفسی ارائه گردیده شده است. « سُنْرِیْهِمْ آيَاتِنَا فِي الْاَفَاقِ وَفِي اَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ اَنَّهُ الْحَقُّ - ما آیات (قدرت و حکمت) خود را در آفاق جهان و نفوس بندگان کاملا هویدا و روشن می‌گردانیم تا ظاهر و آشکار شود که خدا (و آیات حکمت و قیامت و رسالتش همه) بر حق است. « (فصلت/ ۵۳)

خرامیدن لاجوردی سپهر
همان گرد گردیدن ماه و مهر

مپندار کاین چرخ بازیگریست
سرا پرده ای این چنین سرسریست

راه رسیدن به عین الیقین را خداوند برای اهل سعادت عبادت قرار داده است:
«وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ - و پروردگارت را عبادت کن تا اینکه یقین بر تو حاصل گردد(حجر/۹۹)»

بدون عبادت ممکن نیست کسی به عین الیقین برسد. ماجرای زیدبن حارثه آن جوان در مسجد که در پاسخ سؤال پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) (کیف أصبحت؟) عرضه داشت: «أصبحت على اليقين» یکی از این نمونه‌هاست.
پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: « لَوْ لَا أَنَّ الشَّيَاطِينَ يَحُومُونَ عَلَى قُلُوبِ بَنِي آدَمَ لَنَظَرُوا إِلَى مَلَكَاتِ السَّمَاءِ - اگر شیاطین، گرد دل‌های آدمیان نمی چرخیدند، هر آینه آنان ملکوت آسمان‌ها را می دیدند. « (محجة البيضاء ، ج ۲ ، ص ۱۲۵)

راه رسیدن به حق یقین برای اهل سعادت انتقال به بهشت برین و جوار قرب الهی است: «قَبِيلٌ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ - و به این مرد که سرانجام به جرم ایمان کشته شد گفته شد: بیا و داخل بهشت شو، گفت: ای کاش قوم من هم (از این نعمت بزرگ) آگاه بودند.» (یس / ۲۶)

ابو بصیر از امام باقر یا امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: «اذا مات المؤمن دخل معه في قبره ستة صور، فيهن صورة هي احسنهن وجهاً و ابهاهن هياة واصيبهن ريحاً و انظفهن صورة. قال: فتقف صورة عن يمينه، و اخرى عن يساره، و اخرى بين يديه، و اخرى خلفه، و اخرى عند رجليه... - هنگامی که بنده مؤمن می‌میرد همراه او در قبر شش صورت وارد می‌شود که یک صورت از همه زیباتر است... صورتی در طرف راست، صورتی در طرف چپ، صورتی در پیش رو، و دیگری در پشت سر، و دیگری در پایین پا، و آن صورتی که از همه زیباتر است بالای سر او قرار می‌گیرد.

و هر گاه عذابی از سمت راست آید صورت سمت راست مانع می‌شود و همچنین از پنج جهت دیگر. صورتی که از همه زیباتر است خطاب به بقیه کرده و می‌گوید: شما کیستید؟ خدا جزای خیرتان دهد، صورت طرف راست می‌گوید: من نمازم، و آن که دست چپ است می‌گوید: من زکاتم، و آن که پیش او است می‌گوید: روزه‌ام، و آن که پشت سر است می‌گوید: حج و عمره‌ام، و آن که پایین پا است می‌گوید: من نیکی‌هایی هستم که نسبت به برادرانت کردی.

سپس آنها به آن صورت زیبا می‌گویند: تو کیستی که از همه زیباتری؟ می‌گوید: «انا الولاية لآل محمد صلى الله عليه وآله وسلم - من ولايت آل محمد.» (محاسن برقی، ج ۱، ص ۴۴۸، ح ۱۰۳۶)

حور و غلمان جملگی اوصاف تست مهر و مه روحست و قلب صاف تست

قصر مروارید و دُرهای ثمین شد دل پر نور تو ای مرد دین

عنوان : یقین اهل شقاوت

اهل شقاوت انتظار دارند به یقین برسند اما بدون آن ترتیبی که برای اهل سعادت ذکر شد (علم الیقین و عین الیقین و حق الیقین) ؛ ولی وقتی به حق الیقین می‌رسند که دیگر سودی برایشان ندارد. «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَضِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ - آيا (منکران) انتظاری دارند جز آنکه فرشتگان (قهر) بر آنها درآیند و یا (امر) خدا (و یا قضای الهی) بر آنان فرا رسد (و همه هلاک شوند) یا برخی دلایل و آیات خدا آشکار شود؟ روزی که بعضی آیات (قهر) خدای تو بر آنها برسد آن روز هیچ کس را ایمانش نفع نبخشد اگر قبل از آن ایمان نیاورده و یا در ایمان خود کسب خیر و سعادت نکرده باشد. بگو: شما در انتظار (نتیجه اعمال زشت خود) باشید ما هم در انتظار هستیم.» (انعام/ ۱۵۸)

مکن بر نعمت حق ناسپاسی که تو حق را بنور حق شناسی

صفتش را ببین امروز اینجا که تا ذاتش توانی دید فردا

در باره بعضی از اقوام گذشته نیز می‌خوانیم: «فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحَدَّةً وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ - هنگامی که عذاب (شدید) ما را دیدند گفتند هم اکنون به خداوند یگانه ایمان آوردیم و به معبودهایی که همتای او می‌شمردیم کافر شدیم! خداوند در پاسخ آنها می‌گوید: «فَلَمْ يَكُنْ يَنْفَعُهُمْ إِيْمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ- اما هنگامی که عذاب ما را مشاهده کردند، ایمانشان برای آنها سودی نداشت، این سنت خداوند است که همواره در میان بندگان اجرا شده و آنجا کافران زیانکار شدند.» (سوره غافر، آیات ۸۴ و ۸۵).

هرکجا داغ بایدت فرمود چون تو مرهم نهی ندارد سود

اهل شقاوت در جریان زندگی خود پیوسته متوجه به وسائل و اسباب شده و تمسک و توسل و تکیه به آنها پیدا می‌کنند، در امور زندگی خود بدون دقت و تحقیق، از رسوم و عادات مردم پیروی کرده در امور مربوط به زندگی مادی دنیوی و در جمع و نگهداری و امساک آن اهتمام خاص دارند. کسانی هم که عملاً اینچنین زندگی می‌کنند ولی در ظاهر اظهار دینداری می‌کنند، با آنها یکی هستند؛ اگر چه در زبان می‌گویند: دهنده و گیرنده نعمتی به جز پروردگار متعال نیست و هر بنده‌ای نمی‌رسد مگر به آنچه روزی و قسمت و نصیب او باشد و به زبان می‌گوید که سعی و کوشش اثری در تغییر مقدرات و در زیادی قسمت ندارد.

حقیقت در این آراسته هوی و هوس گرد برخاسته
نبینی که هر جا برخاست گرد نبیند نظر گر چه بیناست مرد

عنوان : چگونه بدانیم که آخرت را باور کرده‌ایم؟

در کلام معصومین (علیهم السلام) حقیقت یقین، توکل بر خدا و تسلیم در برابر امر خدا و رضا به مقدرات خدا و واگذاری کارها به خدا دانسته شده است. شخصی نامه‌ای به امام حسین علیه السلام نوشت و از ایشان درخواست نصیحتی کرد که برای او خیر دنیا و آخرت را داشته باشد، حضرت در جواب ایشان نوشت: « بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّهُ مَنْ طَلَبَ رِضَى اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَأَهُ اللَّهُ أُمُورَ النَّاسِ وَ مَنْ طَلَبَ رِضَى النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ وَ السَّلَامُ - به نام خداوند بخشنده مهربان! اما بعد؛ کسی که در راه خشنود کردن خدا از خشم مردم، پروایی نداشته باشد، خداوند او را از کارهای مردم، بی نیاز گرداند و خود کفایتش کند و هر که برای جلب خشنودی مردم، خدا را به خشم آورد، خداوند او را به مردم وا گذارد. والسلام! » (أمالی صدوق، ص ۲۰۰).

همین سخن امام حسین از مرحوم کلینی در کافی شریف به عنوان علامت صحت یقین ذکر شده است:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ صِحَّةَ يَقِينِ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ لَا يُرْضِيَ النَّاسَ بِسَخَطِ اللَّهِ - از نشانه‌های صحت یقین این است که رضایت مردم را به قیمت خشم و سخط الهی تحصیل نکند.» (کافی، ج ۲، ص ۵۷).

علامت دیگر صحت یقین این است که انتظار کمک مادی از مردم نداشته باشد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: « وَ لَا يُلُومُهُمْ عَلَى مَا لَمْ يُؤْتِهِ اللَّهُ فَإِنَّ الرِّزْقَ لَا يَسُوقُهُ حِرْصُ حَرِيصٍ وَ لَا يَرُدُّهُ كَرَاهِيَةُ كَارِهِ وَ لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ فَرَّ مِنْ رِزْقِهِ كَمَا يَفِرُّ مِنَ الْمَوْتِ لِأَدْرَكَهُ رِزْقُهُ كَمَا يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ بَعْدَلِهِ وَ قَسَطِهِ جَعَلَ الرُّوحَ وَ الرَّاحَةَ فِي الْيَقِينِ وَ الرِّضَا وَ جَعَلَ الْهَمَّ وَ الْحَزْنَ فِي الشَّكِّ وَ السَّخَطِ - از نشانه های صحت یقین این است که به خاطر آن چیزی که خدا به او نداده است مردم را ملامت نمی‌کند. روزی آنچنان است که حرص حریص بر آن نمی‌افزاید اگر کسی از روزی فرار کند به گونه‌ای که انگار از مرگ فرار می‌کند، باز هم روزی بدو خواهد رسید؛ همانطور که مرگ هم عاقبت به فراری از مرگ خواهد رسید.» (کافی، ج ۲، ص: ۵۷).

خدا بر اساس صفت عدل و قسطی که دارد و بر اساس اقدامی عادلانه، آسایش و راحتی را در یقین و رضایتمندی از مقدرات الهی قرار داده است. کما اینکه غم و غصه را در شک و سخط و نارضایتی از تقدیرات.

به طور خلاصه در روایات برای اهل یقین این علامات شمرده شده است: * از غیر خدا قطع امید می‌کند و به حول و قوه خدا پناه می‌برد. (بحار الانوار، ج ۱، ص ۶۳۶) * در پیروی از اوامر او استقامت می‌کند. * در ظاهر و باطن خدا را عبادت می‌نماید و صاحب کرامت است؛ زیرا هر قدر یقین انسان زیاد شود قوه تصرف برای او در جمیع کائنات حاصل می‌شود. (معراج السعاده، ص ۹۶) * به حقیقت سؤال و جواب روز رستاخیز باور داشته و به حساب کردار خود می‌رسد. (تحف العقول- ص ۲۶) * از مرگ نمی‌ترسد.

هردمی بینند خوبی بی‌درنگ

رأیتِ عَيْنُ اليقينِ افراشتند

اهل صیقل رسته‌اند از بو و رنگ

نقش و قِشرِ علم را بگذاشتند